

واکاوی پدیدارشناسانه تجربه درونی اطاعت اخلاقی از شریعت در میان مؤمنان جوان

۱. هاجر سادات میرآقایی: گروه الهیات تطبیقی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

۲. سید کاظم موسوی: گروه فلسفه دین، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: s.kazem.mousavi@yahoo.com

چکیده

هدف این پژوهش، واکاوی پدیدارشناسانه تجربه درونی اطاعت اخلاقی از شریعت در میان جوانان مؤمن ایرانی است تا ابعاد عاطفی، شناختی و رفتاری این تجربه در بستر زیسته آنان بررسی شود. این مطالعه با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی توصیفی انجام شد. مشارکت کنندگان شامل ۱۶ جوان مؤمن ساکن تهران بودند که به صورت هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساخت یافته جمع‌آوری شد و فرآیند گردآوری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش هفت‌مرحله‌ای کلایزی و بهره‌گیری از نرم‌افزار NVivo انجام گرفت. تحلیل داده‌ها منجر به استخراج سه مقوله اصلی شد: «تجربه عاطفی اطاعت اخلاقی»، «چالش‌های درونی اطاعت» و «زمینه‌سازهای پایدارسازی اطاعت». در هر مقوله، زیرمقوله‌هایی مانند آرامش معنوی، شرم مقدس، وسوسه‌های درونی، فشار اجتماعی، تربیت خانوادگی، انس با قرآن و فهم فلسفی از احکام شناسایی گردید. مشارکت کنندگان اطاعت از شریعت را نه تنها به مثابه تکلیف دینی، بلکه به عنوان تجربه‌ای درونی، معنادار، و اخلاق‌محور توصیف کردند. یافته‌ها نشان می‌دهند که اطاعت از شریعت در میان جوانان مؤمن یک تجربه چندلایه و درونی است که با چالش‌ها و انگیزش‌های معنوی همراه است. این تجربه نیازمند درک، همراهی، و تبیین عقلانی و اخلاقی توسط نهادهای دینی و آموزشی است تا به تقویت دینداری پایدار در نسل جوان منجر شود.

کلیدواژه‌گان: اطاعت اخلاقی، شریعت، پدیدارشناسی، دینداری جوانان، تجربه دینی، معنویت، اخلاق اسلامی

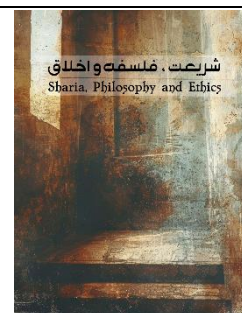
شیوه استناددهی: میرآقایی، هاجر سادات، و موسوی، سید کاظم. (۱۴۰۳). واکاوی پدیدارشناسانه تجربه درونی اطاعت اخلاقی از شریعت در میان مؤمنان جوان. *فلسفه و اخلاق*، ۲(۴)، ۱-۹.

تاریخ ارسال: ۳ آبان ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۱ آذر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱ دی ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۳ دی ۱۴۰۳



© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.



A Phenomenological Exploration of the Inner Experience of Ethical Obedience to Sharia Among Young Believers

1. Hajar Sadat MirAghaei: Department of Comparative Theology, Alzahra University, Tehran, Iran

2. Seyed Kazem Mousavi*: Department of Philosophy of Religion, University of Religions and Denominations, Qom, Iran

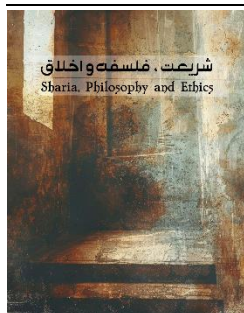
*Corresponding Author's Email: s.kazem.mousavi@yahoo.com

Abstract

This study aimed to phenomenologically explore the inner experience of ethical obedience to Sharia among young devout Muslims in Iran. This qualitative research employed a descriptive phenomenological method. Sixteen devout young individuals residing in Tehran were purposefully selected as participants. Data were collected through semi-structured interviews and continued until theoretical saturation was reached. Colaizzi's seven-step method was used for data analysis, supported by NVivo software. Analysis of the interviews revealed three main themes: "emotional experience of ethical obedience," "internal challenges of obedience," and "stabilizing factors for sustained obedience." Subthemes included spiritual calm, sacred shame, inner temptations, social pressure, religious upbringing, connection to scripture, and rational understanding of Islamic rulings. Participants described Sharia obedience not merely as a religious duty but as an inner, meaningful, and ethically driven experience. The findings indicate that obedience to Sharia among devout youth is a multilayered and internalized experience shaped by spiritual motivations and ethical consciousness. This highlights the need for supportive, rational, and morally grounded religious education to foster enduring religiosity in younger generations.

Keywords: *Ethical obedience, Sharia, phenomenology, youth religiosity, religious experience, spirituality, Islamic ethics*

How to cite: MirAghaei, H. S., & Mousavi, S. K. (2024). A Phenomenological Exploration of the Inner Experience of Ethical Obedience to Sharia Among Young Believers. *Sharia, Philosophy and Ethics*, 2(4), 1-9.



Submit Date: 24 October 2024

Revise Date: 1 December 2024

Accept Date: 21 December 2024

Publish Date: 3 January 2025



© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

در جوامع اسلامی، شریعت نه تنها به عنوان مجموعه‌ای از احکام فقهی شناخته می‌شود، بلکه به منزله نظامی جامع از دستورالعمل‌های اخلاقی، معنوی و هویتی نیز تلقی می‌گردد. اطاعت از شریعت از نظر بسیاری از مؤمنان، نه امری صرفاً بیرونی یا تشریفاتی، بلکه فرآیندی درونی، عاطفی و مبتنی بر ادراک اخلاقی است. در این میان، نسل جوان که در معرض دگرگونی‌های فرهنگی، رسانه‌ای و هویتی گسترده قرار دارد، نحوه‌ای خاص و منحصر به فرد از ارتباط درونی با شریعت را تجربه می‌کند که کاوش در آن می‌تواند به درک عمیق‌تری از زیست دینی نسل جدید منجر شود (Nasr, 2006).

در نگاه کلاسیک، دین به‌ویژه در سنت اسلامی، پیوند وثیقی با اخلاق دارد؛ اما این پیوند همواره به صورت نظری و مفهومی بررسی شده و کمتر به لایه‌های زیسته و شخصی اطاعت اخلاقی از احکام دینی توجه شده است. پژوهش‌هایی که تاکنون در حوزه دینداری انجام گرفته‌اند، عمدتاً بر سنجش دینداری بر مبنای شاخص‌های بیرونی (مانند حضور در مراسم دینی، نماز، روزه) تمرکز داشته‌اند (Glock & Stark, 1965)، اما درکی پدیدارشناسانه از این که چگونه افراد مؤمن جوان، اطاعت خود از شریعت را به عنوان یک تجربه اخلاقی درونی حس می‌کنند، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

از سوی دیگر، فلسفه اخلاق دینی تأکید دارد که «اخلاق دینی» صرفاً از جنس ترس از کیفر یا امید به پاداش نیست، بلکه در بسیاری از موارد بر پایه‌ی نوعی ادراک درونی از وظیفه، معنویت و رضایت الهی استوار است (Frankena, 1973). این امر به‌ویژه در سنت‌های اخلاقی اسلام مورد تأکید قرار گرفته، جایی که «نیت»، «اخلاص» و «تقوا» معیارهای اصلی در ارزش‌گذاری رفتارها به‌شمار می‌روند (Izutsu, 2002). در چنین چارچوبی، اطاعت اخلاقی از شریعت به معنای درونی‌سازی احکام دینی و تجربه آن‌ها به مثابه الزام اخلاقی درونی، نه اجبار بیرونی است. در میان جوانان مسلمان، این تجربه درونی با تنش‌ها و چالش‌های خاصی مواجه می‌شود. از یک سو، تعلق به جهانی پرشتاب، رسانه‌محور و مبتنی بر فردگرایی ممکن است پایبندی به احکام دینی را دشوار سازد (Roy, 2004). از سوی دیگر، جوان مؤمن در تلاش است تا میان «اصالت ایمان» و «پاسخگویی به نیازهای معاصر» تعادلی ایجاد کند. در این فرآیند، اطاعت از شریعت ممکن است نه تنها به عنوان یک الزام دینی، بلکه به مثابه تجربه‌ای عاطفی، اخلاقی و معنوی ادراک گردد (Al-Attas, 1990).

مطالعات روان‌شناسی دین نیز نشان داده‌اند که تجربه‌های دینی در سطح درونی، اغلب با احساساتی چون آرامش، امید، شرم مقدس و احساس پیوند معنوی با خداوند همراه است (Pargament, 1997). این احساسات می‌توانند محرک یا مانع در اطاعت از احکام شرعی باشند. به عبارت دیگر، فهم دقیق و عمیق تجربه اخلاقی جوانان از شریعت، مستلزم توجه به مؤلفه‌های شناختی، عاطفی، اجتماعی و معنوی آن‌هاست.

تحقیقات پدیدارشناسانه در حوزه دین، بر اهمیت کاوش در زیسته‌های شخصی تأکید دارند؛ به‌ویژه زمانی که هدف، فهم تجربه‌های دینی از دیدگاه فردی و بی‌واسطه باشد (Van Manen, 1990). برخلاف رویکردهای کمی که تلاش می‌کنند با ابزارهای آماری میزان دینداری را بسنجند، پدیدارشناسی می‌کوشد «چگونه تجربه‌شدن» دین را بررسی کند. در این راستا، شریعت نه صرفاً به عنوان مجموعه‌ای از احکام فقهی، بلکه به مثابه امری زیسته و درون‌فهم در نظر گرفته می‌شود.

در جامعه ایران، گرچه پایبندی به شریعت در سطوح مختلف فردی و اجتماعی نهادینه شده است، اما تجربه‌های نسل جوان، نشان‌دهنده تحولاتی در معنا، احساس و انگیزش‌های مرتبط با اطاعت از شریعت است. برای مثال، برخی پژوهش‌ها حاکی از آن‌اند که جوانان در اطاعت دینی، بیش از

گذشته به نیت و احساس درونی خود توجه می‌کنند و انجام اعمال دینی صرفاً به‌خاطر اجبار اجتماعی یا خانوادگی نیست (Khosrokhavar, 2009). این تحول معرفتی و معنوی، زمینه مناسبی برای پژوهش‌های پدیدارشناسانه فراهم می‌سازد.

یکی دیگر از مسائل مهم، رابطه اطاعت با «اخلاق» است. اطاعت اخلاقی به معنای پذیرش احکام شرعی نه‌فقط به‌دلیل ترس از مجازات، بلکه از روی باور، مسئولیت و درک اخلاقی از آن احکام است. در این سطح، فرد تجربه‌ای از «درست بودن»، «رضایت الهی»، و «فروتنی اخلاقی» را در درون خود حس می‌کند. این اطاعت، مبتنی بر انگیزش درونی، آگاهی اخلاقی و درونی‌سازی ارزش‌هاست که برخلاف اطاعت سطحی، ریشه‌دار، پایدار و معنادار است (Zahavi, 2018).

بنابراین، درک تجربه اخلاقی اطاعت از شریعت در میان جوانان، مستلزم رویکردی کیفی و پدیدارشناسانه است. این رویکرد می‌تواند ما را با چگونگی درک، احساس، و زیستن احکام دینی از دیدگاه جوان مؤمن آشنا سازد و نشان دهد که چگونه دین به‌مثابه امر زیسته، در درون روان، وجدان و عاطفه او حضور دارد. همچنین، این کاوش‌ها می‌توانند به فهم عمیق‌تری از عوامل مؤثر در تداوم یا گسست دینداری جوانان یاری رسانند؛ عواملی چون تربیت خانوادگی، تجربه‌های معنوی، تعلق به جماعت دینی، درک فلسفه احکام، یا حتی فشارهای اجتماعی و ذهنی. در این پژوهش، تلاش شده است تا با بهره‌گیری از مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته با ۱۶ جوان مؤمن در شهر تهران، تجربه زیسته آن‌ها از اطاعت اخلاقی از شریعت مورد بررسی قرار گیرد. تحلیل داده‌ها بر اساس روش پدیدارشناسی کلایزی و با کمک نرم‌افزار NVivo انجام شده است. هدف نهایی، فهمی چندلایه، عاطفی، معنوی و اخلاقی از نحوه مواجهه جوانان با احکام دینی و احساس درونی آنان نسبت به طاعت است. این پژوهش نه‌تنها می‌تواند به غنای نظری مطالعات دین‌پژوهی و اخلاق دینی در ایران کمک کند، بلکه زمینه‌ای برای بازاندیشی در برنامه‌های تربیتی، تبلیغی و ارتباطی با نسل جوان در حوزه دین و شریعت فراهم می‌سازد.

روش‌شناسی

این مطالعه با رویکرد کیفی و به روش پدیدارشناسی توصیفی انجام شده است تا تجربه درونی اطاعت اخلاقی از شریعت در میان جوانان مؤمن بررسی شود. هدف این رویکرد، کشف و فهم معنای زیسته و عمیق مشارکت‌کنندگان از اطاعت اخلاقی از شریعت در زندگی روزمره آنان است. مشارکت‌کنندگان این پژوهش ۱۶ نفر از جوانان مؤمن ساکن شهر تهران بودند که به‌صورت هدفمند و با استفاده از معیارهایی چون پایداری عملی به احکام شریعت، داشتن تأملات اخلاقی در رفتار دینی، و آمادگی برای بیان تجربه‌های شخصی، انتخاب شدند. تنوع جنسیتی، تحصیلی و خانوادگی در انتخاب مشارکت‌کنندگان رعایت گردید تا ابعاد گوناگون تجربه اخلاقی مورد کاوش قرار گیرد.

گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته انجام شد. سؤالات مصاحبه بر محور تجربه‌های درونی، انگیزش‌های اخلاقی، تعارضات درونی و زیسته‌های فردی مشارکت‌کنندگان از اطاعت دینی متمرکز بود. هر مصاحبه به‌طور میانگین بین ۴۵ تا ۷۵ دقیقه به طول انجامید و در فضایی آرام و صمیمی انجام شد. تمامی مصاحبه‌ها با رضایت آگاهانه مشارکت‌کنندگان ضبط و سپس به‌صورت کلمه‌به‌کلمه پیاده‌سازی شد. گردآوری داده‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت؛ یعنی زمانی که اطلاعات جدیدی از مصاحبه‌های جدید حاصل نمی‌شد.

برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل پدیدارشناختی هفت‌مرحله‌ای کلایزی (Colaizzi, 1978) استفاده شد. در این فرایند، ابتدا متن کامل مصاحبه‌ها به‌صورت مکرر مطالعه شد تا آشنایی کلی با داده‌ها حاصل شود. سپس معانی مهم استخراج گردید و در قالب کدهای ابتدایی (رمزگذاری باز) سازماندهی شد. پس از آن، کدهای مشابه در قالب مفاهیم و مقولات بالاتر (زیرمقوله‌ها و مقولات اصلی) دسته‌بندی شدند. به‌منظور افزایش دقت

تحلیل‌ها، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار تحلیل کیفی Nvivo نسخه ۱۲ کدگذاری و مدیریت شد. همچنین برای اعتباربخشی به یافته‌ها از تکنیک‌های بررسی مشارکت‌کننده (member checking)، بازبینی توسط همکار پژوهشی و دقت در ثبت فرآیند تحلیل استفاده گردید.

یافته‌ها

مقوله اول: تجربه عاطفی اطاعت اخلاقی

آرامش معنوی

یکی از مؤلفه‌های پررنگ در تجربه اطاعت اخلاقی از شریعت، احساس آرامش درونی و معنوی بود. بیشتر مشارکت‌کنندگان پس از انجام فرایض دینی، از نوعی «سبکی روح» و «اطمینان قلبی» سخن گفتند. یکی از شرکت‌کنندگان بیان کرد: «وقتی نماز می‌خونم، انگار یه بار سنگین از رو دوشم برداشته می‌شه». این آرامش عمیق اغلب در لحظات خلوت شبانه یا پس از دعا نمود پیدا می‌کرد.

احساس گناه در عدم اطاعت

پدیده‌ی احساس گناه در صورت ترک یا غفلت از احکام شریعت، از دیگر ابعاد عاطفی بارز بود. برخی از مشارکت‌کنندگان اظهار کردند که حتی تأخیر در نماز باعث احساس شرمندگی درونی می‌شود. یک مصاحبه‌شونده گفت: «وقتی نماز قضا می‌شه، تا شب یه جور ناراحتی باهامه... انگار خودمو خیانت‌کار می‌بینم». این احساس گناه در مواردی با اضطراب یا اشک همراه بود.

لذت بندگی

در کنار بارهای منفی، بسیاری از شرکت‌کنندگان به «شیرینی اطاعت» و «لذت بندگی» اشاره داشتند. به تعبیر یکی از جوانان: «گاهی توی دعا که غرق می‌شی، یه حس ناب داری... انگار به خدا نزدیک شدی، حتی اگه کسی نباشه کنار». این لذت، اغلب از انجام اعمالی مانند نماز شب، زیارت و تلاوت قرآن نشأت می‌گرفت.

شرمساری در برابر خدا

احساس شرمساری در برابر خداوند، به‌ویژه پس از گناه یا در هنگام دعا، از دیگر تجارب عاطفی رایج بود. بسیاری از مشارکت‌کنندگان بیان کردند که در نماز، نمی‌توانند مستقیماً چیزی از خدا بخواهند چون از گذشته خود خجالت می‌کشند. به گفته یکی از آن‌ها: «گاهی موقع قنوت فقط اشک می‌ریزم، اصلاً زبونم بند میاد... حس می‌کنم خیلی کوچیکم جلوش».

پیوند عاطفی با اعمال دینی

ارتباط عاطفی مستحکم با اعمال عبادی مانند نماز، روزه، زیارت و قرآن‌خوانی، به عنوان بخشی از هویت شخصی افراد تجربه می‌شد. شرکت‌کننده‌ای توضیح داد: «من اگه یه روز قرآن نخونم، احساس می‌کنم یه چیزی کمه تو روزم... یه جور خلا». این پیوند گاهی با دلتنگی برای زیارت یا شب‌های خاص مذهبی نیز همراه بود.

انگیزش درونی برای عمل به تکلیف

اطاعت از شریعت در بسیاری از موارد نه به‌خاطر اجبار بیرونی، بلکه به‌دلیل انگیزش درونی و میل به رضایت الهی صورت می‌گرفت. یکی از جوانان گفت: «من نماز می‌خونم چون دلم می‌خواد خدا ازم راضی باشه، نه به‌خاطر ترس یا اجبار». این انگیزش درونی یکی از محرک‌های اصلی پایداری در انجام تکالیف دینی تلقی می‌شد.

مقوله دوم: چالش‌های درونی اطاعت

تعارض عقل و نقل

یکی از چالش‌های کلیدی، مواجهه با احکامی بود که عقل روزمره آن‌ها را سخت یا غیرمنطقی می‌یافت. برخی از مشارکت‌کنندگان با صداقت از سوالات ذهنی درباره فلسفه احکام سخن گفتند. به گفته یکی از آنان: «گاهی نمی‌فهمم چرا فلان چیز حرامه، یا چرا این کار واجبه... اما با خودم می‌گم شاید من هنوز در کم کمه».

فشار اجتماعی

اطاعت از شریعت در محیط‌های غیردینی، با فشار و تمسخر مواجه می‌شود. بسیاری از جوانان تجربه‌هایی از «مسخره شدن»، «کنایه شنیدن» یا «احساس انزوا» را بازگو کردند. یکی از مصاحبه‌شوندگان گفت: «یه بار سر کار وسط نمازم یکی گفت مگه هنوز کسی نماز می‌خونه؟... خیلی تحقیر شدم ولی ادامه دادم».

وسوسه و ضعف اراده

برخی از مشارکت‌کنندگان از ناتوانی در مقابله با وسوسه‌های نفس و ضعف اراده برای انجام طاعت سخن گفتند. یکی از آن‌ها بیان کرد: «بارها تصمیم گرفتم نماز شب بخونم ولی خواب برم داشته... بعدش خودمو سرزنش می‌کنم». این نوسان بین اراده و عمل در میان اغلب شرکت‌کنندگان وجود داشت.

تکرار گناه و حس بی‌فایده بودن توبه

احساس شکست در برابر گناه، به‌ویژه وقتی گناه چندبار تکرار می‌شد، منجر به تردید در ارزش توبه می‌گردید. یکی از جوانان گفت: «وقتی چند بار یه اشتباه تکرار می‌شه، حس می‌کنی توبه‌هات دیگه قبولی نداره... حتی خجالت می‌کشی باز هم استغفار کنی».

خستگی عبادی

در برخی موارد، یکنواختی ظاهری عبادات موجب نوعی خستگی معنوی می‌شد. شرکت‌کننده‌ای اظهار داشت: «نماز خوندن برام یه مدت حالت تکرار پیدا کرده بود... فقط وظیفه‌ای که باید انجام بدم». این وضعیت بیشتر در دوره‌های استرس یا مشغله بالا رخ می‌داد.

تعارض با خواسته‌های شخصی

بعضی از احکام شریعت با خواسته‌های طبیعی و دنیوی افراد در تعارض قرار می‌گیرد و تصمیم‌گیری را دشوار می‌سازد. یکی از جوانان گفت: «گاهی مجبور شدم از یه تفریح یا مهمونی بگذرم چون با اصولم نمی‌خوند... خیلی سخت بود ولی بعدش حس رضایت داشتم».

مقوله سوم: زمینه‌سازهای پایدارسازی اطاعت

تربیت دینی خانوادگی

اغلب مشارکت‌کنندگان تأکید کردند که اولین انگیزه و درک معنوی را از محیط خانوادگی دریافت کرده‌اند. یک جوان گفت: «وقتی بچه بودم، پدرم همیشه برای نماز صبح بیدارم می‌کرد. همون روزها بود که نماز تو وجودم جا افتاد».

تجربه‌های معنوی تأثیرگذار

تجربه‌هایی چون نذر برآورده‌شده، شفا گرفتن عزیزان، یا حضور در اماکن مقدس از انگیزه‌های پایدار اطاعت بود. یکی از مصاحبه‌شوندگان توضیح داد: «یه بار دعای خاصی کردم و جواب گرفتم... همون باعث شد دیگه نمازمو هیچ‌وقت ترک نکنم».

ارتباط با جمع مذهبی

فضای همدلانه و حمایت‌گر مساجد، هیئات و گروه‌های دینی نقش کلیدی در تقویت طاعت داشت. جوانی عنوان کرد: «وقتی با بچه‌های مسجد می‌گردم، انگار انگیزه‌ام دوچندان... انگار تنها نیستم توی مسیر».

فهم شخصی از فلسفه احکام

شرکت‌کنندگان که به دنبال فهم عقلانی و فلسفی از احکام بودند، طاعت خود را عمیق‌تر و با اطمینان بیشتری تجربه می‌کردند. به بیان یکی از آن‌ها: «وقتی فهمیدم فلسفه روزه چیه، دیگه سختی‌اش برام بی‌معنی شد... حتی عاشقش شدم».

انس با منابع دینی

مطالعه قرآن و نهج‌البلاغه، شنیدن سخنرانی‌های دینی، و انس با دعاها به عنوان منبع آرامش و بینش شناخته شد. مشارکت‌کننده‌ای گفت: «هر وقت دلم گرفته، سراغ نهج‌البلاغه می‌رم... انگار با امام علی حرف می‌زنم».

حضور فعال در مناسک

شرکت در مناسک مذهبی مانند زیارت اربعین، شب‌های قدر، و مراسم دعا، عاملی برای تجدید پیمان با شریعت تلقی شد. یکی از شرکت‌کنندگان گفت: «اربعین که رفتم، زندگیم از اون به بعد فرق کرد... یه جور تعهد قلبی پیدا کردم».

بازتاب اجتماعی مثبت اطاعت

برخی از جوانان به تأثیر مثبت اطاعت دینی در روابط اجتماعی و احساس عزت‌نفس اشاره کردند. فردی عنوان کرد: «وقتی اطرافیانم می‌گن بهت اعتماد داریم چون اهل دیانتی، یه جور احساس افتخار بهم دست می‌ده».

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که تجربه درونی اطاعت اخلاقی از شریعت در میان مؤمنان جوان پدیده‌ای چندلایه، پویا و عاطفی است که تحت تأثیر مؤلفه‌های روان‌شناختی، اجتماعی و تربیتی قرار دارد. تحلیل مصاحبه‌ها سه مقوله اصلی را آشکار کرد: «تجربه عاطفی اطاعت»، «چالش‌های درونی اطاعت» و «زمینه‌سازهای پایدارسازی اطاعت». این یافته‌ها با ادبیات موجود در حوزه روان‌شناسی دین، انسان‌شناسی دینی و فلسفه اخلاق اسلامی هم‌خوانی دارد.

در مقوله «تجربه عاطفی اطاعت»، مصاحبه‌شوندگان از احساساتی همچون آرامش، لذت، شرم مقدس و انگیزش درونی یاد کردند. این یافته با مطالعات پارگامنت (Pargament, 1997) هم‌راستا است که نشان می‌دهد تجربه‌های دینی اصیل معمولاً با حالات عاطفی مثبت و تجربه‌های عمیق روانی همراه‌اند. احساساتی مانند رضایت قلبی پس از انجام فرایض دینی و شرمندگی هنگام کوتاهی در طاعت، نشان‌دهنده‌ی درونی‌سازی ارزش‌های دینی است که به جای ترس بیرونی از مجازات، بر فهم اخلاقی درونی استوار است. این دیدگاه با نظریات فرانکنا (Frankena, 1973) نیز هم‌خوان است که اطاعت اخلاقی را نوعی التزام درونی به امر اخلاقی تعریف می‌کند، نه تبعیت صرف از قانون.

همچنین پیوند عاطفی با اعمال دینی و احساس لذت بندگی در برخی شرکت‌کنندگان نشان می‌دهد که شریعت در زندگی این جوانان، نه تنها ساختاری فقهی بلکه تجربه‌ای زیسته و محبوب است. این یافته با پژوهش‌های ایزوتسو (Izutsu, 2002) درباره جایگاه «تقوا» و «خشیت» در قرآن هماهنگ است؛ مفاهیمی که نشان می‌دهند اخلاق دینی از سرچشمه‌ای معنوی و قلبی نشأت می‌گیرد.

در مقوله دوم، یعنی «چالش‌های درونی اطاعت»، مشکلاتی مانند تعارض میان عقل و نقل، فشار اجتماعی، و سوسه‌های درونی و خستگی عبادی شناسایی شدند. این چالش‌ها نشان‌دهنده‌ی آن هستند که اطاعت از شریعت در نسل جوان، امری ساده، بی‌دردسر و یک‌سویه نیست، بلکه فرآیندی

مبتنی بر کشمکش‌های ذهنی و روانی است. برای مثال، تعارض میان برداشت عقلانی جوانان و برخی احکام شرعی، با یافته‌های پژوهش روی (Roy, 2004) هم‌خوان است که نشان می‌دهد نسل جدید مسلمانان در تعامل با آموزه‌های دینی، اغلب رویکردی انتخاب‌گرایانه و تفسیرمحور دارند. این امر می‌تواند نوعی بازاندیشی در نحوه آموزش دینی و ارتباط بین عقلانیت و فقه را طلب کند.

از سوی دیگر، فشارهای اجتماعی و تمسخر به دلیل پابندی دینی در میان برخی مصاحبه‌شوندگان، با یافته‌های خسروخاور (Khosrokhavar, 2009) هم‌راستا است که در آن به انزوای اجتماعی و کشمکش هویتی جوانان مذهبی در جوامع نیمه‌سکولار اشاره شده است. همچنین تکرار گناه و احساس شکست در توبه، که موجب تضعیف احساس کفایت اخلاقی در برخی جوانان می‌شود، می‌تواند بیانگر نیاز به بازتعریف «رحمت»، «توبه» و «پذیرش» در ادبیات تبلیغ دینی باشد.

در مقوله سوم، یعنی «زمینه‌سازهای پایداری اطاعت»، نقش عوامل تثبیت‌کننده‌ای مانند تربیت دینی خانوادگی، تجربه‌های معنوی، ارتباط با جمع مذهبی و انس با منابع دینی برجسته شد. این یافته‌ها مؤید دیدگاه آل‌عطاس (Al-Attas, 1990) درباره نقش اساسی آموزش و تربیت اسلامی در شکل‌گیری اخلاق دینی‌اند. تأثیر مثبت تجربیات زیارتی و مناسک جمعی در تقویت احساس دینی نیز با پژوهش‌های پارگامنت (Pargament, 1997) درباره نقش مناسک در تقویت هویت معنوی هم‌خوانی دارد.

علاوه بر آن، فهم عقلانی از فلسفه احکام شرعی، که موجب پذیرش عمیق‌تر و آگاهانه‌تر شریعت می‌شود، اهمیت فراوانی دارد. بسیاری از جوانان بیان کردند که درک کارکرد اخلاقی یا روان‌شناختی احکام، انگیزش آن‌ها را برای اطاعت افزایش داده است. این یافته با نظریه‌های وان مانن (Van Manen, 1990) درباره اهمیت معنابخشی و فهم زیسته در آموزش و التزام اخلاقی هماهنگ است.

به‌طور کلی، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که اطاعت اخلاقی از شریعت در نسل جوان یک فرآیند سطحی یا تقلیدی نیست، بلکه تجربه‌ای چندلایه، احساسی، شناختی و اجتماعی است که با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده و به حمایت، آموزش و تبیین مستمر نیاز دارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

References

- Al-Attas, S. M. N. (1990). *The Concept of Education in Islam*. Kuala Lumpur: ISTAC.
- Frankena, W. K. (1973). *Ethics*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Glock, C. Y., & Stark, R. (1965). *Religion and Society in Tension*. Chicago: Rand McNally.
- Izutsu, T. (2002). *Ethico-Religious Concepts in the Qur'an*. Kuala Lumpur: Islamic Book Trust.
- Khosrokhavar, F. (2009). *Inside Jihadism: Understanding Jihadi Movements Worldwide*. Routledge.
- Nasr, S. H. (2006). *Islam: Religion, History, and Civilization*. HarperOne.

- Pargament, K. I. (1997). *Psychology of Religion and Coping: Theory, Research, Practice*. New York: Guilford Press.
- Roy, O. (2004). *Globalized Islam: The Search for a New Ummah*. Columbia University Press.
- Van Manen, M. (1990). *Researching Lived Experience: Human Science for an Action Sensitive Pedagogy*. State University of New York Press.
- Zahavi, D. (2018). *Phenomenology: The Basics*. London: Routledge.